

لرزه حوادث کنگره به اعتماد عمومی مردم

## ضرورت تحلیل واقع بینانه از حمله به کنگره

تبیین خطرات واقعی ناشی از حوادث کنگره

و بازگرداندن دوباره حس اعتماد آمریکایی ها به سیستم انتخاباتی ایالات متحده است.

**خطرات واقعی ناشی از واقعه ساختمان کنگره: سرکوب سازی واقعیت و مخالفت با بحران پیش روی شماسات** باید به آمریکایی ها حق داد که بسیار عصبانی باشند زیرا با خشونت هایی بسیار شنیع و اعتراضاتی گسترده در راستای تغییر نتایج آرای انتخابات در ساختمان کنگره، به تاریخ ۶ ژانویه مواجه شده اند. مردمی که شیشه های پنجره ها را پایین آوردند و در هم شکستند، از موانع امنیتی عبور کرده، تعدادی را مجروح نمودند و حتی با نیروهای پلیس درگیر شدند که باید تمامی این اتفاقات در مدت زمانی بسیار کوتاه پیگیری شود. در سیستمی که آزادی در کنار نظم و انضباط تعریف شده،

مبالغه نکنند. اسमित ضمن بیان اینکه میلیون ها آمریکایی هنوز شک دارند که آیا جو بایدن بی هیچ تقلب و به صورت عادلانه انتخاب شده است یا نه؟ راهکار خود را بدین صورت ارائه می دهد که برای آنکه جلوی هرج و مرج ها را بگیریم، باید این اطمینان را به مردم بدهیم که رأی هایشان شمارش شده و نظام ایالات متحده در این مورد، همیشه با مردم خود روراست بوده است؛ بنابراین لازم است تا پژوهش و تحقیقی به صورت کاملاً مستقل در این راستا صورت گیرد، به گونه ای که تمام قانون گذاران ایالت های رقیب را در برگیرد و به بررسی کامل تمام رویه ها و نتایج حاصل در اصلی ترین ایالات رقیب پردازد تا بتوانند بدین شیوه تغییرات و اصلاحاتی کارآمد در انتخابات آینده به وجود آورند. به کارگیری این شیوه، تنها راه برای از بین بردن تمام شک ها و تردیدها

ملانکتون اسمیت<sup>۱</sup> در این مطلب با عنوان «خطرات واقعی ناشی از واقعه ساختمان کنگره: سرکوب سازی واقعیت و مخالفت ها»<sup>۲</sup> - که در دهم ژانویه ۲۰۲۱ در وبلاگ ایندپندنت<sup>۳</sup> منتشر شده است - بیان می کند که حتی اگر شک و تردیدهایی در مورد صحت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا وجود داشته است، نباید با خشم و خشونت مطرح می شد یا جایی خراب می گشت. اسمیت معتقد است، اگرچه اعتراضات مسالمت آمیز بخشی از گفتمان های سیاسی است که باید وجود داشته باشد و برای همگان ارزشمند باشد؛ اما شلوغی های به وجود آمده در ساختمان کنگره را نباید تلاشی در راستای برقراری کودتا دانست و همگان باید مراقب باشند که در شرح اتفاقات آن روز

1. Melancton Smith
2. The Real Danger of the Capitol Incident: Suppression of Truth and Dissent
3. Independent

هرگونه عمل خشونت آمیز در همه زمان ها، کاملاً اشتباه، غیرقابل قبول و زیان بخش بوده است. حتی اگر شک و تردیدهایی در مورد صحت برگزاری انتخابات بوده است، نباید با خشم و خشونت مطرح می شد، نباید جایی خراب می گشت. بدون آنکه به دنبال دلیل بگردیم، باید باور داشته باشیم که هرگز هدف ها، راه های دستیابی را توجیه نمی کند یا به عبارت دیگر، هدف، هرگز وسیله را توجیه نمی کند، زیرا هر وسیله ای به خودی خود نوعی هدف است. برای آنکه مردم بتوانند آزادانه زندگی کنند و تنها قانون بر همه آن ها حکم کند، لازم است فضیلت مدنی وجود داشته باشد و البته استانداردی غیرقابل تغییر برای همگان وضع شده باشد، به گونه ای که تمامی افراد مسئولیت تام اعمال خود را بپذیرند، بی آنکه هیچ استثنایی وجود داشته باشد.

اعتراضات مسالمت آمیز، بخشی از گفتمان های سیاسی است که باید وجود داشته باشد و برای همگان نیز ارزشمند باشد. اینکه جمعیت مردم تابستان گذشته در مینیاپولیس دورهم جمع شده بودند تا نظرات خود را راجع به اجرای قانون به گوش دیگران برسانند، در نفس خود، کار نادرستی نبوده است. به همین ترتیب، اینکه جمعیت مردم در واشینگتن دی

سی راهپیمایی داشتند تا نظرات خود در مورد شمارش رأی ها در انتخابات را مطرح سازند، کار نادرستی نبوده است. چیزی که در مورد هردو مثال توجیه نخواهد شد، توسل غیرضروری و غیرقابل توجیه به زور، خشونت و آسیب به اموال عمومی است. هیچ یک از این دو مورد بالا در عرصه گفتمان در سیاست، توجیه نمی شود یا هیچ کمکی در این راستا نخواهد کرد. باین حال، حتی اگر بخواهیم بسیار سریع تری قانونی را محکوم سازیم، نباید چشم خود را به موضوعات بسیار مهم بیندیم و آن ها را نادیده انگاریم. نباید اختیار تام به نخبگان سیاسی داده شود، همان افرادی که قدرت متمرکز و گلوبالیسم به آن ها اعطاء شده است، زیرا احتمال آن وجود دارد که این نخبگان از اقدامات افراد غیرمسئول به عنوان سلاخی برای جلوگیری از بیان مخالفت ها و اختلاف عقیده ها با هدف پیشبرد اهداف شخصی شان سوء استفاده کنند.

**باید تقلب در انتخابات بررسی شود**  
میلیون ها آمریکایی هنوز شک دارند که آیا جو بایدن بی هیچ تقلبی و به صورت عادلانه، انتخاب شده است یا نه. برای آنکه جلوی هرج و مرج ها را بگیریم، باید این اطمینان را به مردم بدهیم که رأی هایشان شمارش شده است و نظام ما در این مورد، همیشه با

مردم خود، روراست بوده است. کلاز جی راین از دانشگاه کاتولیک به بررسی داده های انتخابات در The American Conservative پرداخته و در آنجا، چند سؤال منطقی را مطرح ساخته است؛ سؤالاتی که شاید برای تعداد زیادی از افراد متفکر نیز مطرح شده باشد. در واقع، سه دادرسی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در بیانیه ای کتبی قضات ایالت پنسیلوانیا را به دلیل تغییر مهلت دریافت آراء توییح کردند. در نهایت باید گفت که بر مبنای اطلاعات گردآوری شده از نظرسنجی های مردمی در مورد آمار نگران کننده و سوء مدیریت ها در قوانین انتخابات ایالتی، لازم است پژوهش و تحقیقی به صورت کاملاً مستقل در این راستا صورت گیرد، به گونه ای که تمام قانون گذاران ایالت های رقیب را در برگیرد و به بررسی کامل تمام رویه ها و نتایج حاصل در اصلی ترین ایالات رقیب بپردازد تا بتواند بدین شیوه، تغییرات و اصلاحاتی کارآمد در انتخابات آینده به وجود آورند. به کارگیری این شیوه، تنها راه برای از بین بردن تمام شک ها و تردیدها و بازگرداندن دوباره حس اعتماد آمریکایی ها به سیستم انتخاباتی ایالات متحده است.

**نقش عوامل اجرایی چپ گرا**  
موضوعی کوچک تر امام مهم، دلیل انگیزشی برای حمله به ساختمان کنگره بوده است. مردمان ماگا (Make America Great)

(Again)، اگرچه رسانه‌ها آن‌ها را زیر میکروسکوپ خود گرفته‌اند، رفتار نسبتاً مناسبی در واکنش به اتفاقات بزرگ منتهی به انتخابات نوامبر داشته‌اند. جناح چپ - نه جناح راست - عامل ایجاد شورش‌ها و خرابی‌ها در تابستان بوده است. در این راستا چه اتفاقی رخ داده بود؟ آیا سخنرانی‌های پر تصنع و پوچ ترامپ به این شورش‌ها دامن زده بود یا دلایل دیگری نیز وجود داشت؟ واشنگتن تایمز ابتدا گزارشی ارائه داد، سپس از موضع خود عقب کشید؛ گزارش‌هایی مبنی بر حضور عوامل آنتیفا آن‌گونه که نرم افزار تشخیص چهره، شناسایی کرده بود. یکی از فعالان یا طرفداران جنبش «جان سیاه پوستان مهم است / زندگی سیاهان مهم است»، در میان جمعیت مهاجم شناسایی شده بود که بعدها به صورت فریبکارانه ادعا کردند: «وی در میان آن جمعیت حضور یافت تا طرفداران رئیس جمهور دونالد ترامپ را شناسایی کند.» از آنجا که اکثر افراد حضور یافته در آن اتفاق، شناسایی و دستگیر شده بودند، اهمیت این موضوع مطرح می‌شد که سیستم قضایی بی طرف و منصفی باید آن‌ها را محاکمه کند و جرائمی کاملاً متناسب با جرمشان، برای آن‌ها در نظر گیرد، نه اینکه «تروریست‌های داخلی» - که خودشان ایدئولوژی‌های راست تندرو دارند - این افراد را

عجولانه مورد قضاوت قرار دهند یا محاکمه کنند.

### اصلاً کودتایی در کار نبود

شلوغی‌های به وجود آمده در ساختمان کنگره، تلاشی در راستای برقراری کودتا نبود. سیاستمداران، رسانه‌ها و مفسران نباید در شرح اتفاقات آن روز مبالغه کنند. تعریفی که ویکی پدیا برای کودتا آورده، عبارت است از: «خلع یا برکناری حکومت وقت از قدرت، معمولاً از طریق به‌کارگیری روش‌های خشونت آمیز. به‌طور معمول، کودتا، تصرف یا خلع ید غیرقانونی مغایر با قانون اساسی است که توسط یک جناح سیاسی، نظامی یا یک دیکتاتور صورت می‌گیرد.» اگر بخواهیم با مفهوم کودتا در واقعیت آشنا شویم، باید به سال ۱۹۹۱ برگردیم، درست زمانی که تندرهای کمونیستی، میخائیل گورباچف را در حصر خانگی قرار دادند، به او اجازه برقراری ارتباط با دنیای بیرون یا حضور در جامعه را نداده و کنترل دولت شوروی را به دست گرفتند. در نهایت، این کودتا شکست خورد، اما یک کودتایی واقعی بود. اینکه احمق‌ها شیشه‌ها را بشکنند، در دفتر پلوسی عکس بگیرند، به فضاهای داخلی ساختمان آسیب بزنند و برگه‌ها را در کل اتاق سنا پخش کنند، نمی‌توان نام کودتا را بر روی آن گذاشت. جناح چپ و متحدان رسانه‌ای این جناح، از عناوینی همانند کودتا یا قیام برای

خطاب قرار دادن این هرج و مرج‌ها استفاده کرده‌اند تا بدین شیوه، بتوانند به بیشترین نفع از این اغتشاش‌ها دست یابند.

خاموش کردن اعتراضات و مخالفت‌ها با این روایت نادرست که ترامپ و طرفدارانش، دموکراسی آمریکا را به خطر انداخته‌اند، چپ‌ها در حال خاموش کردن راست‌های معترض هستند. گول‌های بزرگ تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی، در حال خاموش و خفه کردن صدای افراد شناخته شده محافظه کار هستند و البته شخص رئیس جمهور ایالات متحده: Parler#WalkAway#POTUS, Trump campaign emails و یک ژورنالیست Yahoo News از توییت‌ها خواسته است که سایر ژورنالیست‌ها را تحریم کند: «در حال حاضر افرادی همانند جک پوسوبیک، دن اسکاوینو، مولی همینگوی، روگان اوهندلی، تاکر کارلسن و... نیز چنین درخواستی را مطرح کرده‌اند.» در واکنش به این درخواست، جان ماتز (مدیرعامل و بنیان‌گذار پارلر)، خطاب به اپک تایمز نوشت که شرکتش، برای پیگیری هر نوع «اقدام قانونی» علیه اپل، گوگل و آمازون آماده است. با این حال، ماتز تا به امروز به این نتیجه رسیده است که «تمام فروشندگان، از شرکت‌های خدماتی پیام متنی گرفته تا ارائه دهندگان ایمیل، همچنین وکلای شرکت، درست در همان روز، وی را به حال خود رها کرده‌اند.»



جاش هالی (سناتور ایالات متحده آمریکا)، ویا کام سی بی اس (با مالکیت سیمون و شوستر) را به اقامه دعوی علیه آن‌ها تهدید کرد، زیرا انتشار کتاب در دست چاپ وی با عنوان استبداد فناوری های بزرگ را کنسل کرده بودند. دلیل آن‌ها این بود که «دیگر نمی‌توانند از سناتور هالی حمایت کنند زیرا در سناریویی حضور یافته است که تهدیدی جدی تلقی می‌شود.» هالی در پاسخی خطاب به آن‌ها (@simonschuster) نوشت: «دیگر بیش از این نمی‌توانست او رولی باشد. سیمون و شوستر قرارداد کتاب مرا کنسل کرده‌اند، آن‌هم تنها به این دلیل که نماینده حزب خود بوده و از آن دفاع کرده‌ام، این در حالی بود که در سنا، درگیری‌هایی در مورد صحت برگزاری انتخابات و رأی دهندگان صورت گرفته بود که در حال حاضر، نام فتنه انگیزی را

به آن انتساب داده‌اند. می‌خواهم بسیار شفاف صحبت کنم، این اختلاف بین ما تنها به دلیل قرارداد کتاب من نیست، بلکه مخالفتی آشکار با متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا است. صرفاً سخنرانی‌هایی حق انتشار دارند که دولت آن‌ها را تأیید کرده باشد. این چپی‌ها هستند که هرآنکه مورد تأییدشان نباشد، رد می‌کنند. بنده با تمام توانم با فرهنگ حذف (کنسل کالچر) خواهم جنگید و در دادگاه، شما را می‌بینم.» همچنین، ACLU بیانیه‌ای صادر کرد و در آن، فیس بوک و توییتر را برای به تعلیق درآوردن ترامپ محکوم کرد. ACLU در مورد خطرات ناشی از «قدرت کنترل نشده» و احتمال سرکوبی دیگر صداها، هشدار داده است. در رابطه با مقامات حکومتی که از بحران‌ها استفاده می‌کنند تا قدرت و نفوذ خود را به صورت

بسیار گسترده افزایش دهند (رجوع کنید به کتاب رابرت هیگز با عنوان «بحران و لویاتان: قسمت‌های مهم در رشد دولت آمریکا»)، جو بایدن بسیار تمایل دارد تا از این موقعیت استفاده کند و برچسب «شورشیان» و «تروریست‌های داخلی» را به معترضان بزند. وال استریت ژورنال گزارش کرده است که «جو بایدن قصد دارد قانونی برای مبارزه با تروریسم داخلی وضع کند و آن را در اولویت برنامه‌هایش قرار دهد تا بدین طریق، بتواند با افراطیون خشن ایدئولوژیک مقابله کند و حتی قصد دارد بودجه بیشتری را برای مبارزه با آن‌ها اختصاص دهد.» بنابراین، ماه‌هایی در سال ۲۰۲۰ بود که شاهد حضور عوامل آنتیفا و BLM بوده ایم که در حال آتش کشیدن شهرهای آمریکا بودند، به اموال عمومی آسیب می‌رساندند، از اجرای قانون سرپیچی می‌کردند و در

هیچ بحث و مخالفت مسالمت آمیزی به صحنه کارزار تبدیل نشود و این، در حالی است که صاحبان قدرت در واکنش به یک بحران، صرفاً قوانین حقوقی سخت و بی‌رحمانه جدیدی را پیشنهاد می‌دهند که مغایر با قانون اساسی است.

منبع:

این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله‌ای که در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://blog.independent.org/2021/01/10/the-real-danger-of-the-capitol-incident-suppression-of-truth-and-dissent/>



نبود. اگرچه محافظه کاران، لیبرال‌ها، طرفداران آزادی فردی و گروه‌های مستقل، به ترامپ رأی نداده بودند و حتی با وی اختلاف نظراتی هم داشتند، اما شاید بهتر بود تا این گروه‌ها نیز به طرفداران آزادی مدنی در جرگه ترامپ می‌پیوستند و به آن‌ها کمک می‌رساندند. در عوض، تعداد بسیار زیادی از رهبران به چپی‌ها اجازه دادند تا به بحث و مناقشه ادامه داده و قوانینی وضع کنند و خودشان بزدلانه سعی در فاصله گرفتن از این قضایا داشته باشند. قبل از ورود ترامپ، حزب‌های اصلی صحبتی از مشکلات و نگرانی‌های افراد ساکن در «سرزمین زیر پرواز یا فلاپور» نمی‌کردند؛ مشکلاتی همانند شغل، مالیات، مهاجرت، خانواده‌ها، دوست‌گماری، آزادی مذهبی، مداخله‌گرایی در سیاست‌های خارجی و دیگر موارد مرتبط با این سرزمین. نخبگان سیاسی دوست داشتند به روزهای خوب و شاد برگردند که دو حزب، به آرامی با یکدیگر قدم می‌زدند که با ورود ترامپ، تمام آن برنامه‌ها نابود شد. عوام، فردی را پیدا کردند فردی که قطعاً مناسب این کار نبود که به آن‌ها گوش می‌داد و به مسائل و مشکلاتشان رسیدگی می‌کرد. بسیاری از نخبگان با یکدیگر متحد شده‌اند تا اطمینان حاصل کنند که اگر روزی هر نوع تهدیدی برای قدرت آن‌ها به وجود آمد، براتحاد و همبستگی‌شان تأثیری نگذارد،

پورتلند، به خیابان‌ها ریخته بودند. جمعیتی که به ساختمان کنگره حمله کرده بودند، اتهام افراطیون و تروریست‌های داخلی را از آن خود کرده‌اند. آیا واقعاً آمریکایی‌ها نیاز به محافظت در مقابل این دسته از افراد دارند؟ آیا واقعاً چنین است؟ گلن گرینوالد، از طرفداران آزادی مدنی و بسیاری افراد دیگر که در صحنه حضور داشتند، تصدیق کرده‌اند که دسترسی جمعیت به ساختمان کنگره، بیشتر از روی خوش‌شانسی و البته تصادفی بوده تا یک حمله از پیش برنامه‌ریزی شده؛ «نیروهای دفاعی چندانی وجود نداشت، پلیس ساختمان کنگره بلافاصله تلاش کرد تا جلوی هجوم افراد را بگیرد، اگرچه تعدادی نیز از جمعیت استقبال گرمی کردند و اکثر افرادی که وارد ساختمان کنگره شده بودند، تمام وقت در حال سلفی کردن از خود با مجسمه‌های درون ساختمان بودند تا اینکه قصد خراب کردن اتاق مقامات را داشته باشند. گرینوالد مشاهدات خود را چنین بیان می‌کند: «احتمال اینکه چند صد نفری که به ساختمان کنگره یورش برده بودند، توانایی براندازی حکومت ایالات متحده قدرتمندترین، مسلح‌ترین و مجهزترین نیروی ارتش در کل دنیا را داشته باشند، صفر بود. حتی آن‌ها کوچک‌ترین تلاشی در این راستا نکردند.»

واکنش باید متناسب با شدت اتفاقات رخ داده در ساختمان کنگره